



University of Tehran Press

A Comparative Study of the Jurisdiction of the Courts in Letters of Credit in the Legal Systems of Iran, EU and the United States of America

Homayoun Mafi^{1✉} | Reza Moshiri² | Mohammad Nouri³

1. Corresponding Author; Department of Private Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. Email: mafi@ujas.ac.ir
2. Department of Trade Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. Email: rezamoshiri79@gmail.com
3. Department of Trade Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. Email: mnourilaw1378@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Received: 2023/09/08</p> <p>Received in revised form: 2024/01/10</p> <p>Accepted: 2024/01/17</p> <p>Published online: 2024/06/21</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Autonomy, Exclusive, Brussels, Disputes, Jurisdiction.</i></p>	<p>Disputes arising in the context of letters of credit, similar to other international commercial contracts, are unavoidable. This internationally used instrument involves partners that are located in several nations. Hence, it is important to ascertain the appropriate jurisdictional competence to adjudicate these conflicts, as it might significantly influence the final resolution of the issue. International businessmen and merchants often incorporate a provision in their agreements to choose a certain court, with the aim of enhancing predictability, minimizing litigation expenses, and expediting the resolution of their disputes. The stance of many nations on the issue of determining jurisdiction for the court is diverse. In Iranian law, it is noteworthy that the explicit statement of this particular subject by the legislator is absent, despite the evident business exigencies that warrant the inclusion of such criteria. In the realm of European Union (EU) law, as opposed to Iranian law, the Recast Brussels Regulations of 2012 included a provision that enabled parties to confer jurisdiction to the court for the resolution of disputes, subject to certain circumstances being met. Within the legal framework of the United States of America, it is observed that various states possess distinct mechanisms for the authentication of those conditions. However, it is generally acknowledged that these conditions hold validity in the majority of instances. In the event that the contract does not include provisions about jurisdiction, the determination of which court has jurisdiction should be made by referring to the applicable national laws. This article undertakes a comparative analysis of the approaches used by Iran, the European Union, and the United States of America with respect to forum selection and jurisdiction determination in cases involving documentary credit claims in situations when no specific condition is present.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Mafi, Homayoun; Moshiri, Reza; Nouri, Mohammad (2024). A Comparative Study of the Jurisdiction of the Courts in Letters of Credit in the Legal Systems of Iran, EU and the United States of America. <i>Comparative Law Review</i>, 15 (1), 207-226. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2024.365025.634548</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jcl.2024.365025.634548</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press</p>





مطالعه تطبیقی صلاحیت دادگاهها در اعتبارات اسنادی در حقوق ایران،

اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا

همایون مافی^۱ | رضا مشیری^۲ | محمد نوری^۳^۱ نویسنده مسئول؛ گروه حقوق خصوصی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. رایانامه: mafi@ujsas.ac.ir^۲ گروه حقوق تجارت، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. رایانامه: rezamoshiri79@gmail.com^۳ گروه حقوق تجارت، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. رایانامه: mnourilaw1378@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۷</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: اراده، انحصاری، بروکسل، دعاوی، صلاحیت.</p>	<p>اعتبارات اسنادی به‌عنوان ابزاری پرکاربرد در صحنه تجارت بین‌الملل، اشخاص مختلفی را در کشورهای متفاوت درگیر می‌کند. بروز اختلافات در اعتبارات اسنادی به‌مانند سایر قراردادهای تجاری بین‌المللی گریزناپذیر است؛ از این رو، تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به این اختلافات ضروری است و چه‌بسا نقش تعیین‌کننده‌ای در نتیجه اختلاف داشته باشد. تجار و بازرگانان بین‌المللی در جهت افزایش قابلیت پیش‌بینی، کاهش هزینه‌های دعاوی و سرعت بخشیدن به روند حل اختلافات خود، اقدام به درج شرط انتخاب دادگاه می‌کنند. موضع کشورهای مختلف در قبال تعیین صلاحیت برای دادگاه متفاوت است. در حقوق ایران، قانون‌گذار علی‌رغم نیازهای تجاری به درج این‌گونه شروط، به‌صراحت از این موضوع سخنی به‌میان نیاورده است. در حقوق اتحادیه اروپا، برخلاف حقوق ایران، مقررۀ بروکسل مکرر مصوب ۲۰۱۲ با احراز شرایطی، اجازه اعطای صلاحیت به دادگاه را از سوی طرفین برای حل و فصل اختلافات داده است. در حقوق ایالات متحده آمریکا ایالت‌های مختلف دارای چارچوب‌های متفاوتی برای اعتباربخشی به این شروط هستند، ولی در اکثر موارد این شروط معتبر شناخته می‌شوند. در صورت فقدان چنین شرطی در قرارداد، برای تعیین صلاحیت دادگاه‌ها باید به قوانین ملی مراجعه نمود. مقاله حاضر رویکرد حقوق ایران، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا را در خصوص شرط انتخاب دادگاه و همچنین تعیین صلاحیت در دعاوی اعتبارات اسنادی در صورت فقدان چنین شرطی به صورت تطبیقی مورد مذاقه و واکاوی قرار می‌دهد.</p>
<p>استناد</p> <p>مافی، همایون؛ مشیری، رضا؛ نوری، محمد (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی صلاحیت دادگاهها در اعتبارات اسنادی در حقوق ایران، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا. مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۵ (۱)، ۲۱۳-۲۳۲.</p> <p>DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2024.365025.634548</p>	
DOI	10.22059/jcl.2024.365025.634548
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

اعتبارات اسنادی به‌عنوان یکی از سریع‌ترین روش‌های پرداخت بین‌المللی سهم عمده‌ای از مبادلات تجاری را به خود اختصاص داده است. اعتبارات اسنادی در معنای عام به رابطه میان خریدار و ذی‌نفع (قرارداد پایه)، متقاضی و بانک گشاینده (قرارداد گشایش اعتبار)، بانک گشاینده و ذی‌نفع اعتبار اسنادی) اطلاق می‌شود، اما در معنای خاص، اعتبار اسنادی صرفاً مشعر و ناظر بر رابطه بین بانک گشاینده و ذی‌نفع اعتبار است (بنایاسری، ۱۳۹۹: ۴۶۳؛ مافی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۵). در این مقاله معنای دوم از اعتبار اسنادی در مفهوم اعتبار اسنادی صادراتی مد نظر است.

در بسیاری از قراردادهای بین‌المللی، طرفین بر انتخاب دادگاه صالح^۱ توافق می‌کنند. در تعریف شرط انتخاب صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی گفته شده: «توافقی است که در آن اشخاص در مورد قرارداد حقوقی بین‌المللی، قبل از بروز اختلاف یا بعد از آن، دادگاه یا دادگاه‌های معینی را برای حل و فصل اختلافات ناشی از قرارداد مزبور انتخاب می‌کنند؛ صرف‌نظر از این که دادگاه منتخب در اصل فاقد صلاحیت بوده یا خیر» (کابری و انصاری، ۱۳۹۹: ۳۴۶). برای ایجاد یک رویه متحدالشکل در سطح بین‌الملل در مورد توافق بر دادگاه صالح، کنوانسیون لاهه راجع به توافقاتی که مربوط به انتخاب دادگاه^۲ در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسید. در صورت عدم توافق طرفین، تعیین دادگاه صالح بر اساس قوانین ملی مقرر دادگاه تعیین می‌شود. امروزه در حقوق بین‌الملل خصوصی ابتدا به مسئله صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده پرداخته می‌شود و سپس موضوع صلاحیت قانون داخلی یا خارجی مورد بحث قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، قبل از اینکه دادگاه مشخص کند نسبت به ماهیت دعوا قانون کدام کشور حاکم است، باید معین نماید که آیا دادگاه کشور متبوع خود صلاحیت رسیدگی دارد یا دادگاه کشور دیگر (مافی و ادبی فیروزجایی، ۱۳۹۳: ۵۰). دعاوی تجاری بین‌المللی ممکن است حسب اقامتگاه خواننده، اقامتگاه خواهان، محل انعقاد قرارداد یا محل اجرای آن با کشورهای گوناگونی مربوط شود.

در این نوشتار، در گفتار اول، امکان توافق بر صلاحیت دادگاه‌ها در حقوق ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس در گفتار دوم، صلاحیت دادگاه‌های اتحادیه اروپا در فرض وجود شرط انتخاب دادگاه از سوی طرفین و فقدان آن مطالعه می‌شود و در نهایت در گفتار سوم، فروض دادگاه انتخابی از جانب طرفین در اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی در ایالات متحده آمریکا تجزیه و تحلیل می‌گردد.

1. Choice of court agreements (Forum selection clause)

2. The Convention on Choice of Court Agreement, 30 June 2005

۲. تعیین صلاحیت دادگاهها در حقوق ایران

معمولاً کشورهای مختلف برای تعیین صلاحیت دادگاههای داخلی خود برای رسیدگی به دعاوی بین‌المللی قواعد ویژه‌ای تدارک می‌بینند، اما در قوانین داخلی ایران در خصوص ماهیت و موارد صلاحیت بین‌المللی دادگاهها قواعدی وضع نشده است و عهدنامه‌های دوجانبه یا چندجانبه نمی‌توانند این خلأ را پر کنند؛ چراکه این معاهدات خاص بوده، قابلیت تسری به همه موارد را ندارند. بنابراین، برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاههای ایران باید به قواعد صلاحیت داخلی مراجعه کرد و بر اساس این قواعد صلاحیت دادگاه برای رسیدگی را احراز نمود. در ادامه برای مشخص کردن اعتبار امکان توافق بر صلاحیت دادگاهها و همچنین تعیین صلاحیت دادگاهها در صورت فقدان شرط یادشده در حقوق ایران، این گفتار در دو بند بررسی می‌شود؛ اول، امکان توافق بر صلاحیت دادگاه در حقوق ایران و دوم، فرض عدم توافق بر صلاحیت.

۲.۱. امکان توافق بر صلاحیت دادگاه در حقوق ایران

در قوانین ایران ماده‌ای که بر امکان یا عدم امکان توافق بر صلاحیت دادگاهها برخلاف قواعد صلاحیت نسبی دادگاههای ایران دلالت کند، وجود ندارد. در ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، امکان توافق بر صلاحیت پیش‌بینی شده بود. ماده ۴۴ سابق مقرر می‌نمود: «در تمام دعاوی که رسیدگی به آن از صلاحیت دادگاههایی است که رسیدگی نخستین می‌نمایند طرفین دعوی می‌توانند تراضی کرده به دادگاه دیگری که در عرض دادگاه صلاحیت‌دار باشد رجوع کنند...». بنابراین، در آیین دادرسی مدنی سابق، توافق بر صلاحیت مورد پذیرش قرار گرفته بود، اما نسخ قانون آیین دادرسی مدنی سابق و عدم ذکر ماده جایگزین در قانون آیین دادرسی مدنی جدید موجب بروز ابهامات و اختلافات بین دادگاهها و دکتربین حقوقی شده است.

برخی از حقوق‌دانان بر این باورند که آزادی برای انتخاب یک سیستم دادرسی که خارج از دخالت مستقیم سیستمهای حقوقی ملی عمل می‌کند، اصلی‌ترین جلوه اصل آزادی قراردادی در قراردادهای بین‌المللی است و جزء مهمی از یک سیستم حقوق بین‌الملل خصوصی را تشکیل می‌دهد (باقری، ۱۳۸۶: ۳۶). استدلال دیگری که برای اعتباربخشی به شرط انتخاب دادگاه ارائه شده، آن است که قبول شرط داوری در نظام حقوقی ایران به معنای تجویز سلب صلاحیت از کلیه مراجع قضایی به نفع عدالت خصوصی است؛ بنابراین، به طریق اولی شرط انتخاب دادگاه صالح که به معنای سلب صلاحیت از یک دادگاه به نفع دادگاه دیگر است، باید مورد پذیرش قرار گیرد (مقصودی، ۱۳۹۴: ۷۰). برخی از حقوق‌دانان همسو با این نظریه، با توجه به بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، احکام صادرشده از دادگاههای خارجی را در صورتی که رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاههای ایران

نداشته باشد در ایران قابل اجرا می‌دانند و معتقدند چنانچه دادگاه ایرانی تشخیص دهد صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به پرونده را دارد، توافق بر صلاحیت را نادیده می‌گیرد و به دعوا رسیدگی می‌کند (کابری و انصاری، ۱۴۰۰: ۹۵).

امکان توافق بر صلاحیت دادگاه‌ها در رویه قضایی نیز تأیید شده است. در دادنامه شماره ۲۴۸۰۳۰۰۲۲۰۹۹۷۰۹۲۰۳۷ شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران مورخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۲، خواسته خواهان اعلام بطلان قرارداد به دلیل مخالفت شرط انتخاب دادگاه از سوی طرفین با قوانین آمره به استناد ماده ۹۶۸ قانون مدنی بود. اما دادگاه بدوی بدون ورود به ماهیت دعوی، با این استدلال‌ها که اولاً ماده ۹۶۸ قانون مدنی در باب تعهدات حاصل از عقود است و ارتباطی با توافق طرفین در مورد مراجع حل اختلاف ندارد؛ دوم اینکه تمسک به قوانین ملی نباید مخالف با نظم نوین بین‌المللی باشد و قرارداد پیش‌گفته با یک تبعه آلمانی منعقد شده و با وجود عنصر خارجی دعوی بین‌المللی محسوب می‌شود؛ سوم در ماده ۱۱ همین قرارداد، طرفین به صراحت توافق نموده‌اند که هرگونه اختلاف ناشی از قرارداد، در دادگاه واجد شرایط برلین مورد رسیدگی قرار گیرد و اینکه اساساً تشخیص اینکه قرارداد یادشده صحیح یا باطل است هم در صلاحیت دادگاه پیش‌گفته است؛ و چهارم، با استناد به ماده ۲ قانون آیین دادرسی و ماده ۱۰ قانون مدنی، دعوی خواهان را در دادگاه ایرانی قابل استماع ندانست و قرار رد آن را صادر و اعلام کرد. دادگاه تجدیدنظر نیز رأی دادگاه بدوی را مطابق با مقررات و اصول و قواعد دادرسی و موازین قانونی دانسته و آن را تأیید کرده است (گروئی، ۱۳۹۸: ۲۲۲).

در رأی دیگر به شماره ۰۷۶۵۰۲۲۷۲۰۹۹۷۰۹۴۰ مورخ ۲ آذر ۱۳۹۴ شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران، با استناد به اینکه در قسمت «شرط قانون حاکم و صلاحیت»، طرفین هرگونه ادعا یا اختلاف ناشی از قرارداد یا مرتبط با آن را در صلاحیت دادگاه‌های انگلستان قرار داده‌اند و با بیان این نکته که قواعد حل تعارض ایران در خصوص امکان شرط انتخاب دادگاه از سوی طرفین قرارداد ساکت است و قانون‌گذار قواعد خاصی را درباره صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها وضع نکرده است، خود را ملزم به صدور حکم بر طبق اصول حقوقی به استناد ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی و همچنین اصول و عرف بین‌المللی مطابق ماده ۱۹۴ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳ با اصلاحات بعدی در موارد سکوت دانسته است. دادگاه با شناسایی اصل حاکمیت اراده به‌عنوان یک اصل حقوقی، آن را سنگ بنای حقوق حل و فصل اختلافات تلقی کرده که انتخاب مرجع رسیدگی‌کننده، اعم از دادگاه یا دیوان داوری یکی از مصادیق آن است (پیری، ۱۳۹۵: ۴۳-۴۵). در نتیجه، علی‌رغم نسخ ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی سابق، موافقان امکان‌گزینش دادگاه از سوی طرفین بر این نظرند که احترام به اصل آزادی اراده و منافع تجاری بین‌المللی ایجاب می‌کند که توافقات خصوصی اشخاص □ امری تلقی نگردد و اشخاص بتوانند برخلاف آن توافق نمایند (گروئی، ۱۳۹۸: ۲۲۲، ۲۲۴).

اما در سوی دیگر، برخی از حقوق دانان، حاکمیت اراده در صلاحیت قضایی را مغایر با نظم عمومی می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۵۸۳). عده‌ای دیگر نیز در راستای تقویت این نظر، استدلال کرده‌اند که وقتی اراده طرفین در تعیین قانون حاکم مؤثر نباشد، به طریق اولی در تعیین دادگاه صالح تأثیری ندارد. آمیختگی آیین دادرسی با حقوق عمومی و تکلیف دولت به حل و فصل دعاوی و احقاق حق با ادعای تکمیلی بودن قواعد آیین دادرسی قابل انطباق نیست؛ خصوصاً اینکه پذیرش توافق بر صلاحیت دادگاه خارجی به معنای سلب صلاحیت از همه دادگاه‌های ایران است (مقصودی، ۱۳۹۴: ۶۷). ماده ۹۷۱ قانون مدنی مستمسک دیگری برای این حقوق دانان است. این ماده مقرر می‌دارد: «دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود. مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود». آنچه از این ماده می‌توان استنباط نمود، آن است که توافق طرفین برای رسیدگی به اختلافات خود در دادگاه‌های خارجی، رافع صلاحیت دادگاه صالح ایرانی نخواهد بود و با مطرح شدن مجدد همان دعوی، شرط توافق طرفین برای احاله دعوی خود به محکمه خارجی معتبر شمرده نمی‌شود. بنابراین، این نظر قواعد صلاحیت را جزء قوانین آمره دانسته، توافق برخلاف آن را مغایر با حاکمیت کشور و نظم عمومی می‌داند.

روابط تجاری گسترده نیازمند قواعدی نرم است و از خصایص تجارت پویا، وضع مقررات و قواعد انعطاف‌پذیر است که بتواند مطابق با نیازهای تجاری بازرگانان حرکت کند. در صورتی که بازرگانان عرصه اصل حاکمیت اراده را بر خود تنگ ببینند و منافع قراردادی آن‌ها تأمین نشود، از تجارت در آن کشور دوری کرده، این امر باعث عقب‌ماندگی کشور خواهد شد. علی‌رغم آنکه در شرایط فعلی و با نبود متن مصرح قانونی، قاطبه حقوق دانان و رویه دادگاه‌ها به سمت پذیرش جواز توافق بر صلاحیت دادگاه متمایل است، لیکن اصل آزادی اراده‌ها، اصل سرعت در امور تجاری، تحولات جهانی و رویه کشورها و جلوگیری از اختلاف نظرها و ایجاد رویه واحد برای افزایش ثبات در تجارت و در نتیجه شکوفایی اقتصادی ضرورت پیش‌بینی مقرره‌ای مبنی بر امکان توافق بر روش حل و فصل اختلاف دعوا در حقوق ایران را ضروری می‌نماید.

۲.۲. عدم توافق بر صلاحیت دادگاه

در صورت عدم توافق بر صلاحیت دادگاه، باید به قواعد تعیین صلاحیت حقوق ایران رجوع کرد. صلاحیت دادگاه مهم‌ترین شرط ورود به رسیدگی است که بدون احراز آن، انجام رسیدگی ممکن نیست. در قوانین ایران در مورد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، تنها ماده ۹۷۱ قانون مدنی وجود دارد که دعاوی را از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی می‌داند که در آنجا اقامه می‌شود. بنابراین، دادگاه ایرانی فقط باید به قواعد تعیین صلاحیت قوانین ایران رجوع کند. پس لاجرم برای تعیین و تشخیص صلاحیت بین‌المللی دادگاه باید به قواعد داخلی رجوع کرد. قواعد راجع به تعیین

صلاحیت در حقوق ایران در آیین دادرسی مدنی در مواد ۱۱ به بعد ذکر شده است. قانون‌گذار به‌مانند اکثر نظام‌های دنیا، اقامتگاه خوانده را به‌عنوان اصلی‌ترین عامل تعیین صلاحیت دادگاه‌ها بنا نهاده و اصل را بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده قرار داده و نیز در کنار آن در دعوی قراردادی، دادگاه محل انعقاد عقد و اجرای تعهد را صالح شناخته است.

در اختلافات اعتبارات اسنادی، علاوه بر امکان طرح دعوا در دادگاه محل اقامت خوانده با توجه به ماهیت قراردادی اعتبار اسنادی^۱، ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی نیز کاربرد دارد؛ یعنی دعوا در خصوص اعتبارات اسنادی در محل انعقاد قرارداد و محل اجرای تعهد نیز قابلیت اقامه دعوی دارد. در اعتبارات اسنادی، محل اجرای قرارداد، محل پرداخت یا محل پذیرش اسناد تلقی می‌شود. اگرچه این دو امر معمولاً در یک محل اتفاق می‌افتد، اما گاهی دو کشور مجزا برای این دو امر پیش‌بینی می‌شود؛ یعنی ارائه اسناد و تطبیق آنها در یک کشور انجام می‌گیرد و پرداخت وجه اعتبار اسنادی در کشور دیگری. در چنین مواردی تعیین اینکه کدام یک از این دو امر تعیین‌کننده خواهد بود، کار دشواری است؛ زیرا هیچ دلیل مرجحی وجود ندارد و چه‌بسا اختلاف قبل از پرداخت وجه بر سر مغایرت اسناد ارائه‌شده باشد. بنابراین، چنانچه اعتبار اسنادی قرارداد محسوب شود، می‌توان در هر یک از دو محل یادشده طرح دعوا نمود (گرونی، ۱۳۹۸: ۲۱۵، ۲۱۶).

توجه به این نکته ضروری است که در بیشتر موارد، متقاضی اعتبار و بانک گشاینده اعتبار اسنادی در کشور ایران حضور دارند و بانک ابلاغ‌کننده، بانک تأییدکننده و ذی‌نفع در کشور خارجی هستند. بانک ابلاغ‌کننده نیز عمدتاً در همان کشور ذی‌نفع است. وجود بانک تأییدکننده در کشور ذی‌نفع این مزیت را برای وی دارد که فروشنده نیازی به طرح دعوی در کشور متقاضی اعتبار ندارد. به‌عبارتی، ذی‌نفع می‌تواند در همان کشور خود به طرح دعوی مطالبه وجه یا امتناع ناروا از پرداخت علیه بانک تأییدکننده اعتبار اقدام نماید؛ به این صورت، از تحمل هزینه‌های سنگین طرح دعوی در یک کشور بیگانه نیز اجتناب خواهد شد. در صورتی که بانک تأییدکننده در قرارداد پیش‌بینی نشده باشد، ذی‌نفع باید مطابق اصل کلی به دادگاه محل اقامت خوانده مراجعه کند. مزیت دیگر اعتبار اسنادی از حیث اقامه دعوی و دادگاه صالح نسبت به ذی‌نفع اعتبار، انتقال دادگاه صالح به کشور وی، عوض کردن بار اقامه دعوی و بار

۱. تحلیل ماهیت اعتبار اسنادی در قالب نظریه تعهد به نفع ثالث، ایقاع، اسناد تجاری، ماهیت منحصربه‌فرد و قرارداد از مهم‌ترین نظریاتی است که نویسندگان حقوقی جهت تبیین ماهیت اعتبار اسنادی در حقوق تجارت بین‌الملل مطرح کرده‌اند (مافی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۲). اجمالاً و با توجه به شرایط و مقتضیات اعتبار اسنادی و اصول حاکم بر این ابزار پرداخت بین‌المللی، نویسندگان این مقاله قائل به نظریه قراردادی بودن اعتبار اسنادی هستند. برای آگاهی از نظر مخالف، ر.ک. بنائیسری، ماشالله (۱۳۹۹). حقوق اعتبارات اسنادی (تجاری و تضمینی)، ج ۲، ص ۷۷ به بعد؛ کاشانی حصاری، محسن (۱۳۹۷). مبانی حقوق اعتبارات اسنادی، ص ۱۹۰ به بعد.

اثبات ادعا به سود وی است؛ به این معنا که اگر اعتبار اسنادی نبود، در صورت امتناع خریدار از پرداخت، فروشنده ناگزیر بود به کشور خریدار رود و در یک نظام حقوقی بیگانه خریدار مدیون را طرف دعوا قرار دهد و تعقیب نماید. اما با تشکیل اعتبار اگر ارائه اسناد با مفاد اعتبار منطبق باشد، بهرغم هرگونه اختلافی که در خصوص معامله پایه موجود است (به جز مورد تقلب) باید وجه اعتبار به ذی نفع پرداخت شود. لذا برای اقامه دعوی، این متقاضی اعتبار است که ناگزیر به طرح دعوا نزد مرجع صالح و اثبات عدم حقانیت ذی نفع در تصرف مبلغ یادشده و لزوم استرداد آن خواهد بود، نه ذی نفع که متصرف مبلغ است. به عبارت دیگر، علاوه بر جابه‌جایی دادگاه و محل طرح دعوا از کشور خریدار به کشور فروشنده، در صورت اجرای مفاد اعتبار اسنادی بار اقامه دعوی و بار اثبات ادعا نیز نقل مکان خواهد کرد (بناء نیاسری، ۱۳۹۹: ۲۸۲، ۳۱۱ و ۳۱۲). بنابراین، گشایش اعتبار اسنادی بیشترین منفعت را از حیث صلاحیت قضایی برای ذی نفع اعتبار دارد. این درحالی است که اگر متقاضی اعتبار قصد طرح دعوی علیه ذی نفع را داشته باشد، با توجه به اصل طرح دعوا در دادگاه محل اقامت خوانده و محل اجرای تعهد که لزوماً بانکی در کشور ذی نفع خواهد بود، می‌بایست در کشور وی مبادرت به طرح دعوی نماید.

۳. تعیین صلاحیت دادگاه در حقوق اتحادیه اروپا

سیستم حقوقی اتحادیه اروپا بر این پایه استوار است که قوانین و مقررات این اتحادیه در کلیه کشورهای عضو یکسان‌سازی^۱ شده و یکپارچگی حقوقی بین اعضای این اتحادیه را به وجود آورده است. در این راستا، موفقیت‌های قابل توجهی در هماهنگ‌سازی قواعد مربوط به صلاحیت قضایی در جامعه اروپایی و کشورهای افتنا^۲ تحت مقرره بروکسل به دست آمده است. «رژیم بروکسل یک چارچوب قانونی است که مسائل مربوط به دعاوی بین‌المللی را در اتحادیه اروپا تنظیم می‌کند» (Alavi & Khamichonak, 2015: 159). مقرره بروکسل قانون کلیدی و مهمی است که بر صلاحیت قضایی و به رسمیت شناختن و اجرای احکام در امور مدنی و تجاری در اتحادیه اروپا حاکم است.

مقرره شماره ۴۴/۲۰۰۱ اتحادیه اروپا با عنوان مقرره بروکسل یک^۳ در سال ۲۰۰۰ قدرت اجرایی پیدا کرد. این کار به منظور لازم‌الاجرا شدن و قابل اجرا بودن مستقیم آن در کشورها بدون طی تشریفات تصویب شد. این نسخه از مارس ۲۰۰۲ قابلیت اجرا یافت و هدف آن از بین بردن موانع بر سر راه رشد تجارت در کشورهای عضو اتحادیه اروپا بوده است (مافی و اسدیان، ۱۳۹۵: ۳۳۸). مقرره بروکسل یک

1. Unification

2. European Free Trade Association

انجمن تجارت آزاد اروپا از ۴ کشور ایسلند، لیختن‌اشتاین، نورژ و سوئیس تشکیل و در سال ۱۹۶۰ بنیان‌گذاری شده است.

3. The Brussels Regulation

مجدداً در سال ۲۰۱۲ با هدف ساده‌سازی قوانین مربوط به صلاحیت و اطمینان از سازگاری با سایر قوانین اتحادیه اروپا مورد بازنگری قرار گرفت و در سال ۲۰۱۵ لازم‌الاجرا شد. مطابق ماده ۱ مقررۀ بروکسل مکرر، این مقررۀ صرفاً در امور مدنی و تجاری اعمال خواهد شد و به امور مالیاتی، گمرکی و اداری و یا مسئولیت دولت در قبال فعل و ترک فعل‌های موجود در حیطة اقتدارات دولت تسری نخواهد یافت. درحالی که این مقررۀ به‌طور خاص به معاملات اعتبارات اسنادی اشاره نمی‌کند، الزامات این مقررۀ تا جایی که اختلافات ناشی از آن در محدوده آن مقررات قرار گیرند در مورد معاملات یادشده نیز اعمال خواهد شد. در ادامه به مفاد کلیدی مقررۀ بروکسل مکرر و چگونگی تأثیر آنها بر معاملات اعتبار اسنادی خواهیم پرداخت. به این منظور صلاحیت دادگاه‌ها در سیستم حقوقی اتحادیه اروپا را در دو فرض پی خواهیم گرفت؛ اول آنکه در قرارداد، طرفین به دادگاهی برای رسیدگی به اختلافات توافق کرده باشند، و دوم اینکه دادگاه صالح از سوی طرفین انتخاب نشده باشد.

۱.۳. توافق بر صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به اختلافات

شرط توافق بر دادگاه به طرفین اختلاف اجازه می‌دهد تا قبل از بروز اختلاف و حتی بعد از آن در مورد صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به اختلافات خود که در مورد رابطه حقوقی خاص به وجود آمده و یا ممکن است در آینده پیش آید، توافق کنند. در ماده ۲۵ از بخش هفتم مقررۀ بروکسل مکرر، شرط توافق بر دادگاه از سوی طرفین پذیرفته شده است. در ماده ۲۵ این مقررۀ این‌گونه آمده است: «اگر طرفین صرف‌نظر از محل اقامت خود، توافق کرده باشند که دادگاه یا دادگاه‌های یک کشور عضو، صلاحیت رسیدگی به اختلافاتی را که به‌وجود آمده یا ممکن است در ارتباط با یک رابطه حقوقی خاص ایجاد شود داشته باشند، آن دادگاه یا دادگاه‌ها صلاحیت دارند...».

دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در یکی از تصمیمات خود تصریح می‌کند که علی‌رغم ظاهر عبارت «دادگاه یا دادگاه‌هایی از یک دولت عضو»، طرفین می‌توانند بر صلاحیت چند دادگاه در کشورهای مختلف عضو توافق کنند (شایسته و حبیبی مجنده، ۱۳۹۹: ۱۲۸).

شرط مربوط به صلاحیت دادگاه در اتحادیه اروپا بدون توجه به اقامتگاه طرفین اعمال می‌شود؛ درحالی که در ماده ۲۳ مقررۀ قدیمی، صلاحیت انتخابی فقط در صورتی اعمال می‌شد که یکی از طرفین در اتحادیه اروپا اقامت داشت. این اصلاح در مقررۀ بروکسل مکرر، دادگاه را از بررسی محل اقامت طرفین متعاهد بی‌نیاز می‌کند و همچنین امکان اعمال قوانین مختلف برای طرف‌های مختلف را محدود می‌سازد.^۱ بنابراین، در حال حاضر، بر اساس مقررات بروکسل مکرر، دو شخص غیرمقیم در اتحادیه اروپا می‌توانند به

1. <https://www.cliffordchance.com>, 2014: 1.

دادگاهی در یک کشور عضو اتحادیه صلاحیت بدهند و اگر این انتخاب طبق قوانین تعیین شده از سوی مقررات معتبر باشد، دادگاه منتخب صلاحیت رسیدگی به اختلاف آنها را خواهد داشت و هدف اصلی از آن احترام به اصل حاکمیت اراده طرفین است (Ratković & Zgrabljic Rotar, 2013: 252).

وجود شرط ارتباط عینی میان دادگاه منتخب و دعوا منتفی است؛ چراکه ماده ۲۵ بروکسل مکرر همانند ماده ۲۳ بروکسل یک، هیچ گونه ارتباط عینی بین طرفین یا موضوع مورد اختلاف و مقر دادگاه منتخب را ضروری ندانسته است. (Castelletti v. Mobil [2000] 1 Lloyd's Rep 670) (مافی و اسدیان، ۱۳۹۵: ۳۴۰).

به عقیده برخی از حقوق دانان، در یک پرونده اعتبار اسنادی خاص، در اینکه تاجر یا بانک کارگزار در کدام کشور طرح دعوی کند، معمولاً تفاوتی ندارد. به عقیده آنان، برای بانک ذی نفع یا بانک کارگزار که می بایست علیه بانک صادرکننده اعتبار یا بانک تأییدکننده طرح دعوی کند، تفاوت قابل توجهی وجود ندارد که دادگاه صالح به این اختلاف در کشور x تصمیم گیری کند یا کشور y. استدلال این حقوق دانان بر این مینا استوار است که در سطح بین الملل، حتی زمانی که احکام و تصمیمات خارجی الزام آور نیستند، دادگاهها به طور فزاینده ای به تصمیمات یکدیگر و استدلال های مربوطه توجه می کنند و برای آنان دارای ارزش اقناع کنندگی است. از سوی دیگر، برخی حقوق دانان به درستی بر این عقیده اند که تعیین دادگاهی که دارای صلاحیت بین المللی برای رسیدگی به پرونده اعتبار اسنادی است، پیامدهای متعدد و بالقوه گسترده ای دارد. بنابراین، صلاحیت بین المللی دادگاهها در اعتبار اسنادی مهم بوده و تأثیر آن باید از سوی متخصصانی نظیر بانکداران، مشاوران تجاری و وکلا که با پرونده های اعتبار اسنادی سروکار دارند، ارزیابی شود. برای ارزیابی و انتخاب دادگاه در اختلافات اعتبار اسنادی باید ملاک هایی نظیر قابلیت اطمینان به دادخواهی و دادرسی دادگاه، جریان اصل سرعت در رسیدگی، تخصص کافی جهت حل اختلافات پیچیده اعتبار اسنادی، آگاهی عمیق دادگاه از قانون و رویه های اعتبار اسنادی و معاملات مربوطه، قابل شناسایی و اجرا بودن احکام قضایی در کشورهای دیگر، هزینه دادرسی کمتر، ارزیابی مراحل تجدیدنظر و رسیدگی قضایی و نیز قانون ماهوی قابل اجرا در موضوع اختلاف، در نظر گرفته شود (Marxen, 2019: 29-30).

مقرره بروکسل مکرر در مورد اختلافات ناشی از معاملات اعتبار اسنادی نیز اعمال می شود و در صورت وجود شرایط یادشده، دادگاه تعیینی از سوی طرفین □ صلاحیت رسیدگی به اختلافات اعتبار اسنادی را خواهد داشت. بنابراین، درج شرط انتخاب دادگاه در قرارداد اعتبار اسنادی از جانب طرفین آن - که تاجر هستند - اهمیت بسزایی دارد؛ چراکه این قرارداد □ اشخاص حقیقی و حقوقی مختلفی را در کشورهای گوناگون درگیر می کند و تاجر با درج این شرط از حل و فصل سریع اختلاف بهره می برند. لذا در اتحادیه اروپا قانون گذار در بخش هفتم، بندی تحت عنوان «اعطای صلاحیت به دادگاه منتخب»^۱

مقرر کرده است تا طرفین در موضوعات مدنی و تجاری بر دادگاهی که برای رسیدگی خود مناسب می‌دانند توافق نمایند. اعتبار اسنادی ذیل هیچ‌کدام از این استثنایها و محدودیت‌ها قرار نداشته، طرفین آن مطابق ماده ۲۵ می‌توانند به صلاحیت یک دادگاه خاص برای اختلافات خود توافق کنند.

۲.۳. عدم توافق بر صلاحیت دادگاه

مطابق مقدمه شماره ۱۵ مقررۀ بروکسل مکرر، قواعد صلاحیت می‌بایست تا حد زیادی قابل پیش‌بینی بوده و بر اصل صلاحیت محل اقامت خوانده استوار باشد. به همین جهت در ماده ۴ مقررۀ بروکسل مکرر چنین مقرر شده است: «علیه اشخاص مقیم در یک کشور عضو، صرف‌نظر از تابعیتشان، باید در دادگاه‌های آن دولت عضو اقامۀ دعوی کرد». این قاعدۀ کلی صلاحیت، هنگامی اعمال می‌شود که توافق خاص طرفین برای اعطای صلاحیت وجود نداشته باشد. علاوه بر آن، برای اینکه قاعدۀ کلی صلاحیت قابل اعمال باشد، لزوماً می‌بایست خوانده مقیم یکی از کشورهای عضو اتحادیۀ اروپا باشد. برای مثال، اگر خوانده در فرانسه اقامت داشته باشد، درحالی که تابعیت آلمان را دارد، دادگاه‌های فرانسه صلاحیت رسیدگی به دعاوی مطرح‌شده علیه وی را خواهند داشت؛ هرچند تابعیت آلمان را داشته باشد. ولی در صورتی که خوانده مقیم اتحادیۀ اروپا نباشد، به استناد ماده ۶ این مقررۀ صلاحیت قضایی از سوی قوانین ملی هر کشور عضو تعیین می‌شود. مقررۀ بروکسل مکرر استثنای خاصی را از این قواعد کلی در نظر گرفته و صلاحیت‌های ویژه‌ای را در بخش دوم مقررۀ وضع کرده است؛ چراکه علاوه بر اقامتگاه خوانده باید زمینه‌های صلاحیت جایگزین بر اساس ارتباط نزدیک بین دادگاه و دعوی یا به‌منظور تسهیل اجرای صحیح عدالت وجود داشته باشد. در ماده ۷ این مقررۀ، علاوه بر عامل ارتباط صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده، عوامل ارتباط دیگری نیز نام برده شده که خواهان مخیر به انتخاب از میان دادگاه‌های صلاحیت‌دار است. برای مثال، در امور مربوط به قراردادهای دادگاه‌های محل کشورهای عضو که تعهد موردنظر باید در آنجا انجام شود، صلاحیت دارند یا در مورد اختلافات ناشی از فعالیت یک شعبه و نمایندگی، دادگاه محلی که شعبه و نمایندگی در آن واقع شده باشد، دارای صلاحیت است. در اتحادیۀ اروپا در صورتی که طرفین اعتبارات اسنادی به صلاحیت دادگاه خاصی توافق نکرده باشند، دادگاه کشور عضو صالح است که محل اقامت خوانده در آنجا قرار دارد؛ البته در صورتی که خوانده مقیم یکی از کشورهای عضو باشد. خواندۀ این دعوی برحسب نوع دعوی ممکن است متقاضی اعتبار یا خریدار، بانک گشاینده، بانک تأییدکننده، بانک کارگزار و یا ذی‌نفع یا فروشنده قرار بگیرد. علاوه بر عامل ارتباط محل اقامت خوانده، دادگاه در این نوع دعاوی ممکن است با صلاحیت‌های ویژه مربوط به امور قراردادها، مسئولیت مدنی و فعالیت شعب بانک‌های مستقر در سایر کشورهای عضو مقرر در بخش دوم مقررۀ بروکسل، صلاحیت رسیدگی پیدا کند.

با توجه به اینکه برخی از حقوق دانان ماهیت اعتبار اسنادی را مبتنی بر حقوق قراردادهای می‌دانند و آن را در قالب قرارداد تحلیل می‌کنند (مافی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۵)، خواهان علاوه بر محل اقامت خواننده، مطابق بند اول ماده ۷ می‌تواند در دادگاه محل اجرای تعهد موردنظر نیز طرح دعوی نماید. تعهد موردبحث در دعوی اعتبار اسنادی، پرداخت اعتبار است که باید از سوی بانک گشاینده یا بانک تأییدکننده انجام شود. همچنین تعهد خریدار به بانک گشاینده و تعهد بانک گشاینده به بانک تأییدکننده مبنی بر بازپرداخت وجه در ذیل تعهدات در اعتبارات اسنادی قرار می‌گیرد. بنابراین، دادگاه کشورعضوی که پرداخت به موجب اعتبار اسنادی در آن کشور صورت می‌گیرد، صلاحیت رسیدگی به اختلافات اعتبار اسنادی را دارد. محل اجرای تعهد بانک گشاینده یا بانک تأییدکننده برای پرداخت یا پذیرش اسناد به موجب اعتبار اسنادی باید بر اساس شرایط خود اعتبار تعیین شود (King, 2003: 282).

در پرونده *Chailease Finance Corporation v Credit Agricole Indosuez*، خوانده یک بانک فرانسوی با شعبه‌ای در ژنو سوئیس بود که در ۱۹ آگوست ۱۹۹۸ اعتبار اسنادی را به نفع خواهان گشایش کرد. در متن اعتبار اسنادی آمده است که اعتبار تا ۳۰ نوامبر ۱۹۹۸ معتبر بوده، پرداخت پس از دریافت اسناد مقرر در شعبه ژنو صورت خواهد گرفت. اسناد مقرر در اعتبار اسنادی به همراه دستورالعملی مبنی بر انتقال وجوه اعتبار به حساب بانک میدلند لندن از سوی ذی‌نفع به بانک ارائه شد. اسناد ارائه‌شده مردود اعلام شدند. ذی‌نفع بر اساس اینکه محل اجرای تعهد بانک مبنی بر پرداخت اعتبار مطابق دستورالعمل لندن بود، در انگلستان اقدام به اقامه دعوا نمود. نظر وکیل بانک این بود که تعهد موردبحث، تعهد بانک به بررسی و اخذ اسناد منطبق باشد که این تعهد قرار بود در سوئیس و در شعبه ژنو بانک انجام شود و پرداخت طبق دستورالعمل ذی‌نفع، یک تعهد وابسته به دریافت اسناد منطبق بوده است. دادگاه استیناف ایراد بانک به حوزه قضایی و صلاحیت دادگاه‌های لندن از سوی بانک را رد کرد و این‌گونه حکم داد که تعهد در اعتبار اسنادی برای پرداخت طبق دستورالعمل ذی‌نفع، این امکان را به ذی‌نفع می‌دهد که مکانی را که باید تعهد پرداخت در آن صورت گیرد، معرفی نماید. قاضی معتقد بود «درست است که تعهد به پرداخت به‌وجود نمی‌آید مگر تا زمانی که اسناد منطبق به بانک ارائه شود و بر اساس واقعیات پرونده این ارائه باید در ژنو انجام شود، اما به شرطی که اسناد منطبق به بانک در ژنو ارائه شده باشد. حق قراردادی که پس از آن اقدام ذی‌نفع بر آن استوار است حق دریافت وجه در لندن است. هیچ شکی نیست بانکی که وظیفه مستقلی برای بررسی اسناد ارائه‌شده دارد، فقط حق پذیرش اسناد منطبق با تعلیقات اعتبار را خواهد داشت. در صورت ارائه اسناد منطبق، بانک وظیفه پرداخت به ذی‌نفع را در محل تعیین شده دارد»^۱.

بنابراین، تعهد اصلی موردبحث در قرارداد اعتبار اسنادی، پرداخت وجه اعتبار است، نه تعهد بانک مبنی

1. <https://lawcarenigeria.com>, 2020.

بر بررسی اسناد. در هر مورد، ضروری است که شرایط اعتبار اسنادی تجزیه و تحلیل شود تا توافق طرفین در مورد محل انجام تعهدات طرفین مشخص گردد. ولی واضح است که ذی‌نفع یا بانک پرداخت‌کننده حق دارد محلی را که قرار است پرداخت در آن انجام شود معرفی کند و تعیین چنین محلی این امکان را فراهم می‌سازد که در صورت عدم پرداخت، برای دادگاه‌های آن حوزه قضایی صلاحیت رسیدگی ایجاد شود. مطابق بند پنجم از ماده ۷ مقررۀ بروکسل مکرر، در مورد اختلافات ناشی از فعالیت یک شعبه و نمایندگی، دادگاه محلی که شعبه و نمایندگی در آن واقع شده باشد صلاحیت دارد. صلاحیت قضایی بر اساس این بند هنگامی ایجاد می‌شود که شعبه یک بانک که دارای محل دائمی تجارت تحت نظارت و کنترل یک نهاد مادر در حوزه قضایی دیگر است، به‌عنوان صادرکننده یا بانک واسط عمل کند (King, 2003: 284-286).

۴. تعیین صلاحیت دادگاه در حقوق ایالات متحده آمریکا

قواعد صلاحیت در ایالات متحده عمدتاً از طریق تصمیمات دیوان عالی شکل گرفته است. علاوه بر شرایط قانون اساسی مقرر در اصلحیه چهاردهم، بیشتر ایالت‌ها قانون صلاحیت فراسرزمینی دارند که به‌موجب آن، شرایط مرتبط با اعمال صلاحیت دادگاه‌ها بر دعوای دارای عنصر خارجی (بین‌المللی) تنظیم می‌شود (مقصودی، ۱۳۹۶: ۲۲۴). با مقدمه مختصر پیش‌گفته، در این گفتار ابتدا به بررسی صلاحیت دادگاه‌ها در دعوای مربوط به اعتبارات اسنادی در فرض توافق بر تعیین دادگاه‌ها و سپس در فرض عدم توافق بر تعیین دادگاه‌ها خواهیم پرداخت.

۴.۱. توافق بر صلاحیت دادگاه

در ایالات متحده آمریکا درباره توافق بر انتخاب دادگاه در بین ایالت‌ها رویه ثابتی وجود ندارد. امروزه عمده شروط انتخاب دادگاه در قراردادهای ایالات متحده آمریکا مورد تأیید قرار می‌گیرد، ولی چارچوب تأیید یا رد شرط انتخاب دادگاه در بین ایالت‌های آمریکا متفاوت است. برای مثال، چارچوب دادگاه نیویورک برای پذیرش یا عدم پذیرش شرط انتخاب دادگاه متفاوت با چارچوب دادگاه فلوریدا است. در پرونده *Bremen. v. Zapata Off-Shore Co (1972)*، یک قرارداد بین شرکت آلمانی و شرکت آمریکایی منعقد شده بود که حاوی شرط انتخاب دادگاه با این بیان بود که «همه اختلافات مربوط به قرارداد یا ناشی از قرارداد در صلاحیت دادگاه‌های انگلستان است»؛ پس از به‌وجود آمدن اختلاف، طرف آمریکایی ادعا کرد که شرط انتخاب دادگاه در حقوق آمریکا غیرقابل اجراست، اما دیوان عالی ایالت متحده مقرر کرد: «اگرچه از نظر تاریخی دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا تمایلی به اجرای شرط انتخاب دادگاه ندارند، دیوان عالی با رد این دیدگاه تاریخی، شرط انتخاب دادگاه را قابل اجرا می‌داند و بنابراین دادگاه انگلستان صالح به رسیدگی است» (Brittain, 2000: 317). همچنین دیوان عالی ایالت متحده

سه عاملی را که باعث بی‌اعتباری شرط انتخاب دادگاه می‌شود، این‌گونه برمی‌شمارد: الف) شرط متقربانه باشد؛ ب) شرط غیرعادلانه یا نامعقول باشد؛ ج) شرط مغایر با نظم عمومی باشد.^۱ همچنین در پرونده *Berry v. Soul Circus Inc (2002)* دادگاه بیان نمود که شرط انتخاب دادگاه صالح در قرارداد معتبر است و باید اجرا شود، مگر اینکه طرف مقابل ثابت کند که شرط انتخاب دادگاه صالح غیرمعتبر است؛ بنابراین، اصل بر اعتبار این‌گونه شروط است و طرفی که ادعای بطلان آن را دارد باید اثبات نماید.^۲

شرط انتخاب دادگاه صالح باید متضمن این نکته باشد که دادگاه منتخب از سوی طرفین دارای صلاحیت انحصاری است یا خیر. صلاحیت انحصاری بیان‌کننده این است که فقط دادگاه منتخب توانایی رسیدگی به اختلاف را دارد و صلاحیت غیرانحصاری در نقطه مقابل؛ یعنی علاوه بر دادگاه منتخب، دادگاه‌های دیگری که صلاحیت رسیدگی به اختلاف را دارند، می‌توانند اعمال صلاحیت کنند. در صورتی که در توافقنامه طرفین اشاره‌ای به انحصاری بودن یا نبودن دادگاه منتخب نشده باشد، برخلاف حقوق اتحادیه اروپا اصل بر این است که دادگاه صالح تعیینی، غیرانحصاری خواهد بود (Symeonides, 2017: 1120). دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا برای تعیین اعتبار شرط انتخاب دادگاه صالح، آن را به‌عنوان یک قرارداد مستقل در نظر گرفته، بر اساس قانون داخلی خود راجع به آن اظهار نظر می‌کنند (Clermont, 2014: 646) و حتی در صورتی که قرارداد علاوه بر شرط انتخاب دادگاه حاوی قانون حاکم بر قرارداد باشد، دادگاه‌های ایالات متحده تمایلی به استفاده از آن برای تعیین اعتبار شرط انتخاب دادگاه ندارند و از قانون داخلی برای تعیین اعتبار شرط انتخاب دادگاه استفاده می‌کنند، اما برای تفسیر شرط انتخاب دادگاه و تعیین قلمرو آن به قانون حاکم تعیین شده در قرارداد رجوع کرده، در صورت عدم تعیین قانون حاکم بر قرارداد، بر اساس قانون داخلی نسبت به تفسیر و تعیین قلمرو شرط انتخاب دادگاه تصمیم‌گیری می‌نمایند (Symeonides, 2017: 1123-1124-1125).

با توجه به اینکه در حقوق ایالات متحده در عمده ایالت‌ها توافق بر صلاحیت دادگاه‌ها مورد پذیرش واقع شده است، در دعاوی مربوط به اعتبارات اسنادی نیز طرفین می‌توانند قبل یا بعد از به‌وجود آمدن اختلاف، راجع به صلاحیت دادگاه توافق نمایند و بر پیش‌بینی‌پذیری و ثبات رابطه خود بیفزایند.

۲.۴. عدم توافق بر صلاحیت دادگاه

در صورت عدم تعیین محل رسیدگی باید به قواعد عام تعیین صلاحیت در حقوق آمریکا مراجعه کرد. صلاحیت رسیدگی در حقوق آمریکا مبتنی بر وجود برخی عوامل ارتباط بین مقر دادگاه و شخص یا مالی است که صلاحیت بر آن اعمال می‌شود؛ بر همین اساس، صلاحیت بر اموال و صلاحیت بر اشخاص در

1. <https://www.kasowitz.com>.

2. <https://www.legalserviceindia.com>.

حقوق امریکا کاربرد بیشتری دارد. در سال ۱۹۴۵ در پرونده *International Shoe Co. v. Washington*، دادگاه قاعده تازه‌ای را شکل داد که بر اساس آن «اصلاحیه چهاردهم قانون اساسی ایالات متحده امریکا به دادگاه‌های ایالتی اجازه می‌دهد که بر اشخاص خارج از قلمرو ایالتی خود به شرطی که خواننده با آن ایالت دارای حداقل تماس باشد اعمال صلاحیت کند» (Born, 1987: 2-3). صلاحیت بر اشخاص به معنای توانایی دادگاه برای آوردن یک شخص به فرایند قضایی خود است؛ اعمال صلاحیت شخصی مستلزم آن است که خواننده حداقل ارتباط کافی^۱ با ایالت مقرر دادگاه را داشته و اقامه دعوی با «نظریه سنتی رفتار منصفانه و عدالت ماهوی»^۲ تطابق داشته باشد؛ یعنی دادگاه در تعیین صلاحیت خود بر شخصی که مقیم ایالت مقرر دادگاه نیست، منصف باشد. به عبارت دیگر، دادگاه دلیل قانع‌کننده‌ای برای اعمال صلاحیت خود داشته باشد. در صلاحیت بر اشخاص، خواننده تا زمان معینی امکان اعتراض به صلاحیت دادگاه را دارد و در صورت انقضای این مدت، ممکن است وی حق اعتراض خود را از دست بدهد (Dolan, 2007: 1-11).

صلاحیت بر اشخاص به دو دسته تقسیم می‌شود: صلاحیت عام و صلاحیت خاص. صلاحیت عام بر اساس ارتباط مستمر و منظم خواننده با ایالت مقرر دادگاه شکل می‌گیرد. اقامتگاه، محل ثبت و مرکز اصلی تجارت، مثال‌هایی از مبانی صلاحیت عام محسوب می‌شوند. در مقابل، مبانی دیگر مثل فعالیت‌ها، حضور، اموال و رضایت می‌توانند در هریک از ایالات برای خواننده وجود داشته باشند (Brilmayer, et al. 1987: 735). صلاحیت خاص، شکلی از حداقل تماس با مقرر دادگاه است که دادگاه را قادر می‌سازد که صلاحیت شخصی را بر خواننده‌ای که مقیم ایالت مقرر دادگاه نیست، اعمال کند. باید توجه داشت که صلاحیت خاص فقط می‌تواند راجع به موضوعاتی اعمال شود که خواننده در آن ایالت راجع به آن فعالیت می‌کند؛ یعنی اقامه دعوی علیه خواننده ناشی از- یا مرتبط با- فعالیت‌های وی در ایالت مقرر دادگاه است.^۳ تعیین صلاحیت خاص نیازمند بررسی سه نکته است: الف) خواننده فعالیت‌های خود را به شکل هدفمند و عامدانه در ایالت مقرر متمرکز کند؛ ب) ادعای خواهان ناشی از- یا مربوط به- حداقل یکی از آن فعالیت‌ها باشد؛ ج) عوامل دیگری که دادگاه ممکن است در نظر بگیرد تا مطمئن شود که اعمال صلاحیت با نظریه «رفتار منصفانه و عدالت ماهوی» منطبق است. صلاحیت عام مبتنی بر رابطه مستقیم خواننده و دادگاه است و بین علل مختلف دعوی که خواهان ممکن است علیه خواننده اقامه کند، تفاوتی قائل نمی‌شود. به عبارت دیگر، صلاحیت عام به دادگاه اختیار اعمال صلاحیت بر خواننده راجع به هر دعوی که مربوط به او است، می‌دهد (Brilmayer, et al. 1987: 727).

1. Minimum contacts
2. Notion of fair play and substantial justice
3. <https://www.legalserviceindia.com>.

در پرونده *Paccar International, Inc. v. Commercial Bank of Kuwait (1985)* دادگاه حکم کرد که ذی نفع (بانک کویتی) تابع صلاحیت شخصی کالیفرنیا است؛ چراکه از اعتبار اسنادی صادرشده از سوی بانکی از کالیفرنیا استفاده می‌کند. ذی نفع به شکل متقاعدکننده‌ای استدلال کرد که او بانک گشاینده را انتخاب نکرده است؛ بنابراین، به شکل هدفمند و عامدانه از قانون کالیفرنیا استفاده نکرده است. اما دادگاه با رد استدلال خواننده، مقرر نمود که ذی نفع به شکل ضمنی از قانون کالیفرنیا تبعیت کرده است. دادگاه در این پرونده با این استدلال که ذی نفع خود را تابع دو حوزه قضایی بانک صادرکننده و بانک پرداخت‌کننده قرار داده و در نتیجه عامدانه از قوانین امریکا تبعیت نموده، زیاده‌روی کرده است؛ چراکه بانک‌های خارجی اغلب به حسن شهرت گشاینده و حق تنظیم اعتبارات اسنادی متقاضی وابسته‌اند. اما دیوان عالی ایالات متحده با رد این حکم مقرر نمود که صرف گشایش اعتبار اسنادی از سوی بانک کالیفرنیا برای اعمال صلاحیت کالیفرنیا بر ذی نفع کافی نیست. دیوان عالی به این نکته اشاره کرد که بانک کویتی در انتخاب بانک گشاینده دخالت نکرده و عامدانه خود را تابع قوانین کالیفرنیا قرار نداده و در نتیجه از اعمال صلاحیت اختصاصی خودداری نموده است.

در پرونده *C.E. Jamieson & Co. v. Willow Labs, Inc (1984)* خواهان از متقاضی اعتبار اسنادی در نیویورک شکایت و ادعا کرد که خواننده در نیویورک حساب بانکی دارد و تحت قوانین نیویورک در این شهر اقدام به تجارت می‌کند. اما در واقع خواننده که شرکتی واقع در نیوجرسی بود، در بانک نیوجرسی حساب باز کرده بود و از بانک نیویورک برای خدمات بانکی بین‌المللی خود استفاده می‌کرد. ظاهراً بانک نیوجرسی وجه متقاضی را در خصوص اعتبار اسنادی که از سوی بانک نیویورکی گشایش شده بود به نیویورک انتقال داده بود. دادگاه اعمال صلاحیت بر متقاضی را رد کرد و در مخالفت با ادعای خواهان مقرر داشت که این فعالیت به منزله انجام تجارت در نیویورک نیست. یکی از نکاتی قابل توجه آن است که اثبات ارتباط خواننده با مقر دادگاه برعهده خواهان است.

در پرونده *Leney v. Plum Grove Bank (1982)* متقاضی اهل ایلینوی از بانکی در این شهر درخواست کرد که اعتبار اسنادی را به نفع شخصی مقیم کالیفرنیا گشایش کند. بانک گشاینده، اعتبار اسنادی را به وکیل ذی نفع به آدرس کلرادو ایمیل کرد. این اعتبار برای پرداخت معامله‌ای که در کلرادو انجام شده بود، صادر شد. ذی نفع به جمع‌آوری اسناد از طریق بانکی در کالیفرنیا پرداخت، ولی بانک گشاینده از پرداخت خودداری کرد و ذی نفع در کالیفرنیا اقدام به شکایت نمود. دادگاه بدوی به پرونده رسیدگی کرد و به سود ذی نفع رأی داد، اما دادگاه تجدیدنظر رسیدگی به ماهیت دعوی را کنار گذاشت و به ایراد صلاحیت که خواننده در مرحله نخستین ادعا کرده بود، پرداخت و به این نتیجه رسید که عادلانه نیست که بانک گشاینده را در هر ایالتی که بانک به‌طور منطقی انتظار دارد که از اعتبار آن استفاده شود، مجبور به دفاع کنیم. بنابراین، این پرونده نشان داد ذی نفعی که علیه بانک گشاینده اقامه دعوی می‌کند، باید حداقل

رابطه بانک با مقر دادگاه را ثابت نماید. بسیاری از دادگاه‌ها از این قاعده کلی در این پرونده پیروی کردند که بانکی که صرفاً اعتبارات اسنادی را به درخواست مشتریانش گشایش می‌کند، خود را تابع صلاحیت شخصی مقر دادگاهی که ذی‌نفع در آنجا مقیم است، نمی‌کند (Dolan, 2007: 4-5, 11-13-15).

در نقطه مقابل، صلاحیت بر اموال به معنای توانایی دادگاه برای رسیدگی به امور مربوط به اموال است. به عبارت دیگر، دادگاه می‌تواند راجع به هر نوع مال منقول^۱ یا غیرمنقول^۲ واقع در قلمرو خود اعمال صلاحیت کند. صلاحیت بر دارایی انحصاری است و دو دادگاه نمی‌توانند به‌طور هم‌زمان بر روی یک دارایی واحد، اعمال صلاحیت کنند. قاعده کلی این است که اولین دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اموال را برعهده می‌گیرد، می‌تواند این صلاحیت را به استثنای دادگاه‌های دیگر حفظ و اعمال کند. دادگاه‌ها می‌توانند صلاحیت بر اموال را حتی در صورتی که مالک اموال در قلمرو صلاحیتی آنها نباشد اعمال کنند. دادگاه‌ها برای اعمال صلاحیت قضایی در مورد اموال، یا باید رضایت مالک و یا شخص دیگری که حق مالکیت را مطرح می‌کند، جلب کنند. اعمال صلاحیت بر اموال در دعاوی مربوط به اعتبارات اسنادی به یک اختلاف حقوقی در ایالات متحده آمریکا تبدیل شده است.

در پرونده *Lustron, Inc. v. Prutscher (1981)*، بانک نیوجرسی اعتبار اسنادی را به نفع یک فروشنده اتریشی افتتاح کرد و سپس اعتبار اسنادی از سوی یک بانک اتریشی مورد تأیید قرار گرفت. بعد از تأیید اسناد ذی‌نفع از جانب بانک تأییدکننده، بانک نیوجرسی از پرداخت وجه خودداری نمود. بانک تأییدکننده از بانک گشاینده شکایت کرد و موفق شد از صلاحیت بر اموال استفاده کند. دادگاه، خود را به این دلیل صالح به رسیدگی تشخیص داد که بانک گشاینده وجوهی را از بانک تأییدکننده در اختیار دارد. در مقابل در پرونده *Citybank, N.A. v. Klein (1981)*، دادگاه فلوریدا خود را فاقد صلاحیت برای رسیدگی تشخیص داد و از اعمال صلاحیت بر اموال خودداری کرد (Dolan, 2007: 11-18-19).

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌ها و دستاوردهای این مقاله با مذاقه در حقوق کشورهای مختلف به شرح زیر است. تعیین صلاحیت دادگاه‌ها در اختلافات اعتبارات اسنادی به لحاظ طرفین درگیر از کشورهای مختلف حائز اهمیت است. این موضوع هنگامی اهمیت بیشتری می‌یابد که توافق بر تعیین صلاحیت دادگاه از سوی طرفین اختلافات اعتبار اسنادی در همه نظام‌های حقوقی اعتبار یکسانی ندارد.

با وجود عدم تجویز قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی مدنی ایران و اختلاف میان حقوق‌دانان، اقتضات تجارت بین‌الملل ایجاب می‌نماید با توجه به اصل حاکمیت اراده که با عنوان اصل طلایی

1. Personal jurisdiction

2. Real property

حقوق تجارت بین‌الملل شناخته می‌شود و همچنین اصل سرعت در امور تجاری، قانون‌گذار به پذیرش توافق بر صلاحیت تشویق گردد. رویه دادگاه‌ها و تحولات جهانی به سمت پذیرش این گونه توافق‌ها بوده و عدم شناسایی این نوع شروط می‌تواند آثار سوئی به همراه داشته باشد. در صورتی که توافقی مبنی بر رسیدگی به اختلافات اعتبارات اسنادی در دادگاه منتخب پیش‌بینی نشده باشد، باید با مراجعه به قواعد کلی صلاحیت در نظام حقوقی ایران، به یکی از دادگاه‌های محل اقامت خواننده، محل انعقاد عقد و محل انعقاد عقد رجوع کرد.

با عنایت به مقرره بروکسل مکرر در مورد شناسایی و اجرای احکام مدنی و تجاری، این نتیجه حاصل می‌شود که به طرفین در قلمرو اتحادیه اروپا به صراحت اجازه داده شده است بر اساس اصل حاکمیت اراده بر صلاحیت دادگاه‌ها توافق کنند و توافقات قراردادی آنها در چارچوب نظام اتحادیه اروپا به رسمیت شناخته می‌شود. اگر اعتبار اسنادی به عنوان قرارداد پذیرفته شود، به نظر می‌رسد که بانک گشاینده و ذی‌نفع می‌توانند در چارچوب مقرره بروکسل یک و مقرره بروکسل مکرر نسبت به پذیرش صلاحیت دادگاه توافق کنند. در صورت نبود توافق در خصوص صلاحیت دادگاه، دادگاه محل اقامت خواننده به عنوان اصل کلی، و دادگاه محل اجرای تعهد با توجه به ماهیت قراردادی اعتبار اسنادی صلاحیت می‌یابند.

در نظام حقوقی امریکا توافق اشخاص در خصوص صلاحیت دادگاه‌ها در اختلافات اعتبارات اسنادی بر اساس اصل حاکمیت اراده در قوانین پذیرفته شده است. در فقدان توافق بر صلاحیت دادگاه در اختلافات ناشی از اعتبارات اسنادی، به علت اقامت طرفین آن در اقامتگاه‌های مختلف صلاحیت شخصی اعمال می‌شود و کاربرد دارد. در دعاوی اعتبارات اسنادی خواهان می‌تواند بر اساس صلاحیت عام اقدام به اقامه دعوی کند و برای این منظور، او باید در محل اقامت خواننده و یا محلی که خواننده با آن دارای ارتباط مستمر و منظم است اقامه دعوی نماید. خواهان می‌تواند بر اساس صلاحیت خاص نیز اقامه دعوی کند، اما باید توجه داشت که صرف وجود اعتبارات اسنادی، دلیلی بر اینکه خواننده تابع صلاحیت خاص یک ایالت خاص باشد نیست و خواهان باید برای اثبات این امر به دلایل دیگری نیز استناد کند.

منابع

الف) فارسی

۱. باقری، محمود (۱۳۸۶). حدود آزادی طرفین در تعیین صلاحیت قضایی بین‌المللی: جایگاه داوری تجاری بین‌المللی. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۳۷ (۳)، ۲۹-۶۲.
۲. بناء نیاسری، ماشاءاله (۱۳۹۹). حقوق اعتبارات اسنادی (تجاری و تضمینی). جلد اول، چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۳. پیری، فرهاد (۱۳۹۵). حقوق تجارت بین‌الملل در رویه قضایی ایران. چاپ اول، تهران: جاودانه جنگل.

۴. شایسته، شوکت و حبیبی مجنده، محمد (۱۳۹۹). جایگاه توافق در تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم در دعاوی مالکیت فکری. پژوهش حقوق خصوصی، ۹ (۳۳)، ۱۲۵-۱۵۸. <https://doi.org/10.22054/jplr.2020.46041.2274.158-125>
۵. کابری، محمدمجد و انصاری، اعظم (۱۳۹۹). امکانسنجی توافق بر سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در حقوق ایران. مجله حقوقی بین‌المللی، (۶۳)، ۳۷۱-۳۴۳. <https://doi.org/10.22066/cilamag.2020.104979.1677>
۶. کابری، محمدمجد و انصاری، اعظم (۱۴۰۰). تشخیص صلاحیت انحصاری دادگاه‌ها در دعاوی خصوصی بین‌المللی. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۳۶ (۱۰)، ۹۳-۱۲۱. <https://doi.org/10.22054/jplr.2022.53361.2426>
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸). قانون مدنی در نظم حقوق کنونی. چاپ پنجاه و هفتم، تهران: میزان.
۸. گروهی، فرشته (۱۳۹۸). تحلیل رویکرد نظام حقوقی ایران نسبت به اعتبار اسنادی و ضمانت‌نامه بانکی. چاپ اول، تهران: مجد.
۹. مافی، همایون و ادبی فیروزجایی، رشید (۱۳۹۳). صلاحیت دادگاه‌های ایران در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی. فصلنامه دانش حقوق مدنی (۲)، ۴۸-۶۳.
۱۰. مافی، همایون و اسدیان، سودابه (۱۳۹۵). دادگاه صالح در دعاوی ناشی از قراردادهای تجاری الکترونیکی در نظام‌های حقوقی امریکا و اروپا. مطالعات حقوق تطبیقی، ۷ (۱)، ۳۳۳-۳۴۵. <https://doi.org/10.22059/jcl.2016.58614>
۱۱. مافی، همایون؛ بهرامپوری، رسول و رامشی، میثم (۱۴۰۱). تحلیل حقوقی ماهیت اعتبارات اسنادی. دانشنامه حقوق اقتصادی، (۲۱)، ۷۵-۱۰۵. <https://www.doi.org/10.22067/economlaw.2022.73552.1109>
۱۲. مقصودی، رضا (۱۳۹۴). توافق بر دادگاه صالح در قراردادهای بین‌المللی: توجیه و نقد رویه قضایی. فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، (۱۱)، ۶۰-۷۱. <https://doi.org/10.22106/jcr.2015.28533>
۱۳. مقصودی، رضا (۱۳۹۶). صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی. مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۴ (۵۶)، ۲۱۳-۲۳۴. <https://doi.org/10.22066/CILAMAG.2017.25171>

ب) انگلیسی

- Alavi, H. & Khamichonak, T. (2015). A Step Forward in the Harmonization of European Jurisdiction. Regulation Brussels I Recast. *Baltic JL & Pol.*, 8, 159. <https://doi.org/10.1515/bjlp-2015-0023>
- Born, G. B. (1987). Reflections on Judicial Jurisdiction in International Cases. *Georgia Journal of International and Comparative Law*, 17(1), 1-44.
- Brilmayer, L., Haverkamp, J., Logan, B., & Lynch, L. (1987). General Look at General Jurisdiction, *Tex. L. Rev.*, 66, 721.
- Brittain Jr, J. T. (2000). Foreign Forum Selection Clauses in the Federal Courts: All in the Name of International Comity, *Hous. J. Int'l L.*, 23, 305.
- Clermont, K. M. (2014). Governing Law on Forum-Selection Agreements, *Hastings LJ*, 66, 643.
- Dolan, J. F. (2007). *The Law of Letters of Credit*, 4th edition, AS Pratt & Sons, 07-36.
- https://www.cliffordchance.com/briefings/2014/09/court_jurisdictionunderthebrussels.html
- https://www.legalserviceindia.com/articles/jd_int.htm
- <https://lawcarenigeria.com/credit-agricole-indosuez-v-chailease-finance-corporation-2000-ewca-civ-19-28-january-2000/>

10. <https://www.kasowitz.com/media/kudos/ronald-r-rossi-authors-articles-on-cross-border-mediation-and-governing-law-and-jurisdiction-clauses/>
11. King, R. (2003). *Gutteridge and Megrah's Law of Bankers' Commercial Credits*, Routledge.
12. Marxen, K. (2019). The Impact of International Jurisdiction in Letter of Credit Disputes. *Documentary Credit World (DCW)*, 28-33.
13. Ratković, T. & Zgrabljic Rotar, D. (2013). Choice-of-Court Agreements under the Brussels I Regulation (Recast), *Journal of Private International Law*, 9(2), 245-268.
14. Symeonides, S. C. (2017). What Law Governs Forum Selection Clauses, *La. L. Rev.*, 78, 1119.